

محيى الدّين ابن عربى

نفائس العرفان

مجموعه هفت رساله عرفانی

تصحیح: سعید عبدالفتاح

ترجمه: سید ناصر طباطبائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار
۷	رساله‌ی الانوار جلاله
۲۵	رساله‌ی علو حقيقة محمدی
۴۵	رساله‌ی نفائس العرفان
۶۱	رساله‌ی شرح اسم جلاله الله
۷۷	رساله‌ی حکمت حاتمی
۹۷	رساله‌ی الاسفار عن نتایج الاسفار
۱۵۷	وصایای نبوی
۲۰۳	وصایای صالحان
۲۳۲	وصایای قرآنی

موجود و اینچه می‌است که به امور غیر روحی در پیکر عالم و بجز امور پذیراده
به نظری گذاشتیم و مخصوصاً از جمله امور طیور او خلی تسمیه
کیم و خود را به عنوان آنداد روحیت می‌نماییم و خالق روح را بعیی در هر یکی
شمری و نهایی فی الله، فاعلیه الله با ارجاد خلاص و مطهیر و تقدیم لاهوت در
ناسو و دنیا می‌داند اماست که بعضی از امور ایضاً خلول و ارجاد گفته‌اند؛ زیرا
مسالمه خلول و ارجاد در واقع ای اموری و قریب ای اموری و محدث و مده داشته و
نیز این فرضیه ای ای اموری و محدث و مده داشته است. جوی ای ارجاد خاصیت دارد که
که در یک کتاب و تغیر ذاتی داشته باشد، عقلانی می‌باشد و ممتنع است.

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

تا که ما باشیم با تو در میان
تو وجود مطلق فانی نما
حمله‌مان از باد باشد دم به دم
جان فدای آن که ناپیداست باد
مولوی

ما که باشیم ای تو ما را جان جان
ما عدم‌هایم و هستی‌های ما
ما همه شیران، ولی شیر علم
حمله‌مان پیدا و ناپیداست باد

ابن عربی (۶۳۸ - ۵۶۰ ه. ق) را به حق، پدر وحدت وجود اسلامی دانسته‌اند، در حالی که گروهی کثیر از عرفان و صوفیه و فلاسفه اشرافی ایران بدان باور داشته‌اند. مبنای نظری این مکتب که در فلسفه‌ی افلوطین و مذاهب بودایی هند سابقه طولانی دارد، به طور خلاصه این است که؛ عالم، همه اوست. زیرا مفهوم هستی یا وجود یک مصدق حقیقی بیش ندارد و در سرتاپی عالم وجود، یک موجود بیش نیست که در آیینه‌های رنگارانگ ماهیات و تعینات و مظاهر مختلف، جلوه‌گر و نمودار شده است و آن، همان موجود واحد حق است که به ظهور نورانی در پیکر عالم وجود سریان دارد، به طوری که هیچ موجودی، از جلوه و ظهور او خالی نیست.

لب و عصاره‌ی معنی وحدت وجود نیز، ظهور و تجلی حق در موجودات یعنی اتحاد الوهیت با بیشیریت و حلول روح ربوبی در هیکل بشری و فنای فی الله و بقای بالله یا اتحاد ظاهر و مظہر و تجسّد لاهوت در ناسوت، تعریف شده است که بعضی به حق آن را حلول و اتحاد گفته‌اند: زیرا مسئله‌ی حلول و اتحاد در واقع از توابع و فروع نظریه‌ی وجود است و بدون فرض اصل وجود، معقول نیست. چون اتحاد حقیقی دو شئ با یکدیگر که تباين و تغایر ذاتی داشته باشند، عقلًا محال و ممتنع است.